آینه

کیهان

عمودی یا افقی انتخاب با شماست

● **محمد صرفی:** تا وقتی آمریکایی‌ها در عراق باشند، این کشور روی آرامش و آسایش نخواهد دید. آنان به درجه‌ای از وقاحت و گستاخی رسیده‌اند که دو مقام نظامی ایرانی و عراقی را ترور کردند و با این کار نشان دادند کوچک‌ترین احترامی برای حاکمیت عراق قائل نیستند و در این زمینه هیچ خط قرمزی ندارند. خیزش دیروز ملت عراق گوشه‌ای از برکات خون پاک سردار سلیمانی و ابومهدی مهندس بود. خون‌هایی که به دست شقی‌ترین موجودات روی زمین به‌هم آمیختند تا گواهی باشند بر «ایران و العراق لایمکن الفراق». شعارهای دیروز در بغداد، آخرین دیالوگ و پیام کلامی عراق به دولت آمریکا بود. نشنیدن این پیام روشن و رسا از سوی آمریکا، وضعیت جدیدی را رقم خواهد زد. توپ در زمین ترامپ است و باید تصمیم بگیرد که صدای این شعارها را بشنود یا به زودی با زبان دیگری روبه‌رو شود. زبان جدید برای ترامپی که انتخابات ۲۰۲۰ را در پیش دارد، فاجعه‌آمیز خواهد بود. پیام دیروز مردم عراق به آمریکایی‌های تروریست این بود؛ باید از عراق بروید، انتخاب عمودی یا افقی با خودتان است.

اعتماد

نباید به عقب بازگردیم

● **جلال میرزایی:** اگر اجازه دهیم مجلسی یکدست شکل گیرد که صدای جریان اصلاحات در آن مجلس طنین نداشته باشد، جناح اصلاحات و پایگاه اجتماعی متمایل به اصلاح‌طلبان را از حق خود محروم ساخته‌ایم. ما باید به این واقعیت توجه کنیم که اصلی بدیهی در نظام‌های پارلمانی این است که اقلیتی تأثیرگذار گاه می‌تواند نتایجی فراتر از انتظار به همراه داشته باشد و علاوه بر آن، صدای اقلیت همیشه در جامعه طنین‌انداز بوده و خواهد بود. با این حساب، در شرایط دشوار پیش‌رو نیز باید متناسب با حال و اوضاع واقعی خود مواجه شده و از تمام ظرفیت‌های موجود استفاده کنیم. در این میان در حالی که بعضا مطرح می‌شود اصلاح‌طلبان بهتر است به جای تلاش برای تشکیل اقلیت تأثیرگذار در مجلس یازدهم، به خروج از حاکمیت و تشکیل پارلمان سایه اقدام کنند و به جامعه مدنی نزدیک شوند، واقعیت این است که پارلمان یا دولت در سایه اساسا در فرهنگ سیاسی ما معنادار نیست.

جمهوری اسلامی

سهم شورای نگهبان در تقویت نظام

● متاسفانه عملکرد بعضی از ارگان‌ها و نهادها و حتی سخنان بعضی از افراد مسئول در زمینه انتخابات، برخلاف انتظار است به‌طوری که به جای مقابله با دشمنان، به صورت ناخواسته راه را برای سوءاستفاده آنان هموار می‌کنند. علاوه بر اینکه هیات‌های اجرائی انتخابات مجلس شورای اسلامی این‌بار سخت‌گیرانه‌تر عمل کردند. با ردکردن فله‌ای صلاحیت‌ها، اعتراضات زیادی را برانگیخته‌اند. اینکه بسیاری از افراد مذهبی و حتی روحانی با داشتن سوابق مبارزاتی و صرف‌کردن عمر خود در جهت برپایی نظام جمهوری اسلامی و تقویت مبانی انقلاب و حمایت از ولایت فقیه و تلاش برای ترویج اسلام، متهم به عدم التزام به نظام جمهوری اسلامی، عدم اعتقاد به ولایت فقیه و عدم التزام عملی به اسلام می‌شوند و صلاحیت آنها رد می‌شود، چه دلیلی غیر از سلیقه‌ای عمل‌کردن شورای نگهبان دارد؟ انتظار این بود که شورای نگهبان درصدد جبران خطاهای هیات‌های اجرائی برآید ولی نه‌تنها چنین نکرد، بلکه از سخنان بعضی از اعضای این شورا چنین فهمیده می‌شود که قصد تجدیدنظر اساسی در تصمیمات هیات‌های نظارت ندارد و مهم‌تر اینکه مایل است نمایندگان مجلس را در دوره چهارساله نمایندگی تحت نظارت خود داشته باشد، کاری که برخلاف قانون اساسی است... در میان ردصلاحیت‌شده‌ها افراد زیادی وجود دارند که به جرم هم‌سلیقه‌نبودن با شورای نگهبان رد صلاحیت شده‌اند.

رئیس قوه قضائیه:

دستگاه قضائی عراق پیگیر جنایت آمریکا باشد

اعتمادآنلاین: رئیس قوه قضائیه در تماس تلفنی با رئیس شورای عالی قضائی عراق، بر پیگرد حقوقی و همه‌جانبه جنایت آمریکایی‌ها در ترور سردار سپهبد شهید سلیمانی تأکید کرد.ابراهیم رئیسی، در این تماس تلفنی، جنایت آمریکایی‌ها در ترور دو سردار و مجاهد بزرگ ایرانی و عراقی را هولناک و غم‌انگیز خواند و با اشاره به اعتراف رسمی رژیم آمریکا به انجام این ترور گفت: این جنایت برخلاف همه میثاق‌ها و قوانین بین‌المللی است و مطالبه جدی مردم ایران و عراق، پیگرد حقوقی و مجازات آمران و عاملان این ترور است. سیدابراهیم رئیسی نفرت پدیدآمده از رژیم تروریست آمریکا پس از قضایای اخیر را بی‌سابقه دانست و افزود: این نفرت ملی از آمریکایی‌ها در تشییع‌های ده‌هامیلیونی شهیدان عزیزمان در ایران و عراق و همچنین راهپیمایی بی‌نظیر و میلیونی روز جمعه مردم عراق بروز یافت و این موج ضداستکباری، مسئولیت ما مسئولان قضائی در هر دو کشور را برای پیگیری حقوقی موضوع سنگین‌تر و مضاعف می‌کند. رئیس قوه قضائیه با اشاره به ابعادی از تروریستی‌بودن جنایت رژیم آمریکا ازجمله ترور حاج قاسم سلیمانی و همراهان ایشان، درحالی‌که آن شهید بزرگوار به تصریح نخست‌وزیر عراق میهمان رسمی دولت عراق و در حال انجام مأموریتی دیپلماتیک با رعایت همه قوانین و مقررات کشور میزبان بوده است، افزود: این اقدام آمریکایی‌ها بدون تردید تجاوزکارانه و ناقض اصول متعدد مانند اصل ممنوعیت توسل به زور، حق حیات و حقوق افراد مورد

حمایت حقوق بین‌الملل است و توجیه‌های آمریکایی‌ها برای انجام این جنایت، حتی در خود جامعه آمریکا نیز مردود و مخدوش واقع شده است. سیدابراهیم رئیسی با تقدیر از محکومیت قاطع این جنایت از سوی مرجعیت عراق و ارکان دولت ازجمله رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، مجلس و آحاد ملت مقاوم عراق، خاطرنشان کرد: این جنایت باید از جانب هر دو کشور پیگیری حقوقی و بین‌المللی شود. رئیس قوه قضائیه با اشاره به تسلط استکبار و در رأس آن آمریکا بر محاکم بین‌المللی، این واقعیت را موجب انصراف از دنبال‌کردن موضوع ندانست و افزود: ما از جانب ملت‌های ایران و عراق و تمام آزادی‌خواهان و دلبستگان جبهه مقاومت موظف هستیم خون‌خواهی این مجاهدان شهید را با همه توان دنبال کنیم و انتظار داریم همچنان که این پیگیری در دولت و قوه قضائیه جمهوری اسلامی آغاز شده است، دولت و دستگاه قضائی عراق نیز پیگیری حقوقی جنایت آمریکا را به صورت جامع و هماهنگ تا حصول نتیجه دنبال کنند. در این تماس تلفنی، فائق زیدان، رئیس شورای عالی قضائی عراق، با تأکید بر اینکه شهید سردار سلیمانی و شهید ابومهدی از قهرمانان مبارزه با تروریسم و آزادسازی مناطق اشغالی عراق از دست داعش بودند، افزود: شهید سلیمانی میهمان دولت عراق بود و همه جزئیاتی که جناب‌عالی درخصوص ابعاد حقوقی داخلی و بین‌المللی این موضوع گفتید، مورد قبول ما است. زیدان افزود: به جناب‌عالی اطمینان می‌دهم از همان ساعات اولیه در عراق تحقیقات در این زمینه شروع و برای رسیدگی قضائی پرونده بزرگی تشکیل شده است. ما با دقت زیادی روی این موضوع متمرکز هستیم و به صورت مستمر و روزانه مراحل را دنبال می‌کنیم. وی با تأکید بر اینکه در تحقیقات بدون ملاحظه عمل خواهیم کرد، افزود: در زمینه بین‌المللی آماده همکاری و اقدام مشترک با جمهوری اسلامی تا حصول نتیجه در محاکم بین‌المللی هستیم. در پایان این مکالمه، رئیس قوه قضائیه کشورمان پیگیری این موضوع را به وزیر دادگستری و معاون امور بین‌الملل قوه قضائیه محول کرد.

پاسخ قوه قضائیه به رئیس اسکودا

با همدلی و هم‌اندیشی اولویت‌های مورد نیاز نهاد وکالت را پیگیری کنیم

علی بهادری‌جهرمی: حسب دستور رئیس محترم قوه قضائیه مبنی‌بر تهیه پاسخ‌نامه‌های ارسالی از سوی کانون‌های وکلا و آن اتحادیه و با توجه به برگزاری آزمون وکالت مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه و اعلام ظرفیت‌های جذب این مرکز و روشن‌شدن بسیاری از موضوعاتی که به ناروا به این مرکز نسبت داده شده است، تذکره‌ای برای تنویر اذهان وکلای محترم دادگستری و دعوت به هم‌فکری و همدلی به منظور تقویت جایگاه این قشر تأثیرگذار جامعه بیان می‌نماید: نظر به نیاز جامعه به استفاده از خدمات تخصصی حقوقی و کارشناسی، این مرکز با اختیارات قانونی رئیس قوه قضائیه (مستندا به اصول ۱۵۶ و ۱۵۸ قانون اساسی و ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه و سایر قوانین عادی) تأسیس شده و به فعالیت خود در حوزه‌های وکالت، کارشناسی رسمی و مشاوره خانواده ادامه داده است. برخلاف رویه موجود در میان کارشناسان محترم رسمی دادگستری، در طول سالیان متمادی فعالیت مستمر این مرکز بسیاری از وکلای دادگستری عضو کانون‌ها یا اعضای هیئت‌مدیره‌های وقت آنها، هجمه‌هایی علیه این مرکز و وکلای آن داشته و برخی نیز به دیوان عدالت اداری یا سایر محاکم عریضه‌هایی برده‌اند، اما در همه ادوار، مراجع ذی‌صلاح قضائی و قانونی، در صددرصد آرا نظر به مشروعیت استمرار فعالیت مرکز و اقدامات آن درخصوص جذب وکیل داشته‌اند. پاسخ کلیه نامه‌های این مدت را به رأی شماره ۳۸۰ مورخ ۲۳ اسفند ۱۳۹۶ هیئت تخصصی دیوان عدالت اداری در داوری قضائی نسبت به اعتراض ۱۹ کانون از کانون‌های وکلای دادگستری و برخی وکلای عضو آنها و همچنین پاسخ اخیر مورخ ۲۵ دی ۱۳۹۸ معاون محترم حقوقی قوه قضائیه به نامه یکی از کانون‌ها ارجاع می‌دهم و از شما این پرسش را می‌پرسم که بحث و جنجال پیرامون نهادی که با تصمیم قانون‌گذار ایجاد شده و به صورت کاملا قانونی به فعالیت خویش ادامه می‌دهد و علاوه‌بر رئیس محترم و سایر مقامات رسمی قوه قضائیه، محاکم مختلف قانونی نیز بارها بر استمرار حیات و قانونی‌بودن و مشروعیت آن صحه گذاشته‌اند (از جمله مطابق دادنامه‌های شماره ۹ الی ۲۴ مورخ ۱۹ فروردین ۱۳۹۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، ادعا پیرامون برگزاری آزمون آن از «اعتبار امر مختوم» برخوردار است) آیا از مصادیق «قوانین و نظاماتی» نیست که کلیه وکلای دادگستری سوگند به احترام به آنها یاد کرده‌اند؟ و آیا اگر یک وکیل یا حقوق‌دان یک قانون یا یک رأی قضائی را به مذاق خود خوش نداند می‌تواند بر طبل بی‌قانونی بکوبد؟ آیا نباید وکلای محترم دادگستری مدافع «قانون و قانون‌گرایی» باشند و آیا اساسا هدف اصلی و نهایی از «استقلال کانون وکلا» به جهت حمایت از «حاکمیت قانون» نیست؟ اگر کانون‌ها مدعی لزوم یکی‌شدن نهاد وکالت هستند بهتر نیست هرچه بیشتر سازوکارهای مرکز را در شکل و ماهیت و ساختارهای شبیه خود دریابند تا امکان ادغام این دو نهاد تسهیل شود؟ اگر هم کسی در زبان، فریاد لزوم یکی‌شدن برمی‌آورد و در دل علاقه‌مند به عدم ادغام است، باز باید از استقلال هرچه بیشتر و رشد روزافزون کل سازمان وکالت خشنود باشد. چراکه بدیهی است مردم به‌عنوان ارباب‌رجوع وکیل، تفکیکی میان وکلای کانون و وکلای مرکز قائل نیستند و هرگونه عملکرد هر یک از این دو نهاد همکار به چشم کل جامعه وکالت دیده می‌شود. آیا انتظار نمی‌رود همان‌گونه که مدیران کانون‌های وکلا با استقبال گسترده از رأی اخیر دیوان عدالت اداری درخصوص نحوه ثبت مؤسسات حقوقی که مستندا به ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه و آیین‌نامه آن صادر شد، نشان دادند خود نیز قائل به بقای این ماده هستند و حتی برخی مدعی شدند این استدلال‌ها از سوی ایشان مطرح شده و لذا معترف بر «دائمی‌دانستن ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه» شده‌اند؛ در سایر موضوعات نیز همان تفسیر و رویه را داشته باشند؟ مراکز وکلای قوه قضائیه در سطح کشور سیاست راهبردی خود را همکاری و تعامل حداکثری با کانون‌های وکلا در عین حفظ استقلال و شأن خود تعریف کرده و هیچ‌گاه همکاری‌ای با وکلای عضو کانون را تخلف از نظامات تعریف نکرده‌اند و در حد توان سعی کرده‌اند وارد فضاسازی‌های رسانه‌ای کانون‌ها علیه خود نشده تا به دور از هیاهو با انجام وظایف ذاتی خویش موجب تحول وضعیت شغلی و ارتقای جایگاه وکلا در بدنه دستگاه قضائی و اذهان عمومی شوند چراکه اعتقاد دارند رشد و تعالی و حل مشکلات در گرو «تحول از درون و تلاش در نمایش ظرفیت‌های داخلی» است نه تخریب و نزاع و مقابله با دیگران. امروز دوران وفاق و همدلی است و باید تمام مدیران نهاد وکالت بپذیرند اذهان عمومی تفکیکی بین وکلای مرکز و وکلای کانون قائل نیست و هجمه‌های برخی مدیران کانون‌ها به مراکز همکار خود برایندی جز تخدیش شأن وکیل در اذهان عمومی نخواهد داشت و خسارت آن به کل جامعه وکالت (اعم از کانون و مرکز) بازمی‌گردد. امروز امور بسیاری درخصوص حفظ احترام و شأن وکیل، ارتقای جایگاه و افزایش اشتغال ایشان و ... روی زمین مانده است که همت جمعی و مشترک کانون‌ها و مراکز وکلا برای رتق‌وفتق آنها را می‌طلبد و پرداختن به این حواشی که در این چندماه دغدغه اصلی برخی مدیران کانون‌ها شده باید به کناری نهاده شده تا امور اصلی از روی زمین بلند شود و حقوق مردم به‌عنوان ولی‌نعمتان جامعه وکالت در گرو این هم‌افزایی بیشتر احقاق شود. امروز جامعه وکالت نیازمند همکاری مشترک و همدلانه مدیران و وکلای خود در کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی، کمیته‌های تخصصی معاونت حقوقی قوه قضائیه و معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری، صداوسیما، سازمان امور مالیاتی و ده‌ها مرکز دیگر در جهت حل مشکلات مشترک است و تا کانون‌ها و مراکز وکلای قوه قضائیه که هر دو متشکل از وکلای منتخب خود جامعه وکالت هستند به سمت حل این مشکلات حرکت نکنند «یک دست صدا نخواهد داشت». توصیه می‌کنم به‌جای پرداختن به حواشی، مدیران در این دو مجموعه در هر استان در کنار یکدیگر نشسته و با همدلی و هم‌فکری و هم‌اندیشی، اولویت‌های مورد نیاز نهاد وکالت را با بهره‌گیری از ظرفیت‌های هر دو طرف مورد پیگیری قرار داده و با هم نیز طرحی برای آینده نهاد وکالت طراحی کنند. به امید روزی که صدای اقلیت افراط‌گرا و پرهیاهوی جامعه وکالت تحت سایه اقدامات همدلانه اکثریت خاموش این جامعه محو شود تا مسیر حرکت به سوی تعالی هرچه بیشتر این نهاد مقدس با سرعت بیشتری طی شود.

*** رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه**

مهندس بازرگان، الگوی ماندگار «نواندیشان» و «وطن‌دوستان»

حسین کبیر: مهندس بازرگان از نواندیشان دینی نسل اول ایران است که هنوز زوایای فکری، سیاسی، اخلاقی و شخصیتی ایشان به‌خوبی شناخته و شناسانده نشده است و به تعبیری شخصیت نادر و کم‌نظیری است که باید از نو شناخته شود. در این یادداشت کوتاه به مناسبت سی‌ام دی، سالروز درگذشت ایشان و به‌عنوان ادای دِین و قدرشناسی و بزرگداشت آن زنده‌یاد، می‌خواهم به دوگانه‌ای از واژگان به کار برده‌شده در ادبیات سیاسی و دینی او که به باور من پربسامدترین واژه‌ها در میراث گران‌قدر به‌جامانده از اوست، بپردازم. آن دوگانه عبارت است از دوگانه متباین: «آزادی-استبداد». بازرگان استبداد را ام‌المفاسد و عامل تباهی سرمایه‌های مادی و معنوی و انسانی یک جامعه می‌دانست و آزادی انسان‌ها و رهایی‌شان از اسارت را عامل تعالی، تکامل و پیشرفت و ترقی جوامع می‌داند. او در نطق دفاعی خود در اولین جلسه دادگاه تجدید نظر دادرسی ارتش در عشرت‌آباد در تاریخ ۱۳۴۲/۱۲/۱۴ خطاب به ژنرال‌های محاکمه‌کننده این جمله «ولتر» را بیان می‌کند که می‌گوید «در نظام دیکتاتوری و حکومت زور، ممکن است آرامش و آسودگی ظاهری برای طبقه حاکمه به وجود بیاید؛ ولی این آسودگی همراه با سعادت مردم نیست. جامعه فقط در صورت آزادی عقیده و بیان می‌تواند روی سعادت را ببیند». در مدت‌زمان قریب به ۵۰ سال مطالعه‌ام بر روی آثار بازرگان به‌جرئت می‌توانم بگویم که او «منادی آزادی و آزادگی» و «قهرمان مبارزه با استبداد» بود و از خاستگاه دین و دینداری به دفاع از آزادی و کرامت انسانی و ستیز با زور و استبداد پرداخت. بازرگان به‌عنوان یک اسلام‌شناس و مفسر قرآن در دفاع از آزادی و مخالفت با استبداد می‌گوید: «آزادی موهبتی است الهی که خداوند به انسان‌ها عطا کرده و هرکس آزادی او را بگیرد، بزرگ‌ترین خیانت را در حق او مرتکب شده است. استبداد بزرگ‌ترین دشمن انسان و اسباب کار شیطان است. آزادی خواسته‌ای ابدی است. معمای ازلی است، یگانه کلید تکامل و توان و ترقی و تقرب است». زنده‌یاد بازرگان به‌عنوان یک نواندیش دینی، توحید و شعار لا اله الا الله را بزرگ‌ترین فریاد سیاسی در دفاع از آزادی و رهایی انسان‌ها از یوغ اربابان قدرت می‌داند و می‌گوید: «آن‌طور که از داستان‌های انبیا و شعار لا اله الا الله خودمان می‌فهمیم، مأموریت پیغمبران آزادی و آزادکردن انسان‌ها بوده است».

مهندس بازرگان میان دین و استبداد تضادی آشتی‌ناپذیر می‌بیند و استبداد را در جایگاهی بدتر از کفر می‌نشاند و در بیدادگاه نظامی شاه در سال ۴۲ با صدایی رسا می‌گوید: «آب دین و استبداد هیچ‌گاه در سرچشمه یک جوی نرفته و نخواهد رفت. این تعارض و جنگ همیشه وجود داشته و خواهد داشت. نه خدا می‌تواند فرمانروایی سلاطین و فرمانبری مردم را اجازه دهد و ببیند و نه حکومت استبدادی و طاغوت‌های قدیم و جدید می‌توانند قبول اطاعت و اعتقاد مردم را به چیزی جز به اوامر و منافع خود بنمایند... . خدا در محیط استبداد پرستیده نمی‌شود... . استبداد از کفر هم بدتر است؛ زیرا که آورنده دین و سرور پیغمبران می‌فرماید «الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم» یعنی: ملک و مملکت با کفر باقی می‌ماند؛ ولی با ظلم باقی نمی‌ماند و وقتی قرآن می‌خواهد تمام خداپرستان اعم از مسلمان، نصرانی و یهودی را زیر پرچم واحدی آورده و از آنها پیمانی بگیرد، فقط دو ماده به آنها عرضه می‌کند: دو ماده‌ای که درواقع یک ماده و عصاره دینی و دنیایی توحید است: جز خدا را نپرستیم و یکدیگر را ارباب و سرور نگیریم... ؛ یعنی زیر بار استبداد و بندگی آدمیزاد نرویم. مهندس بازرگان آزادی را موهبتی الهی و حقی خدادادی می‌داند؛ نه امری اعطایی از سوی صاحبان قدرت. اساسا از نظر او انسان بدون آزادی از معنی تهی می‌شود. به تصریح او «آقایان ساده‌اندیش‌اند و توجه ندارند که آزادی تفنن نیست؛ بلکه ضرورت است و با رفتن آزادی طاغوت می‌آید...». از نظر مهندس بازرگان نظارت عمومی مردم در یک جامعه اسلامی وقتی امکان‌پذیر است که آن جامعه از آزادی عقیده و بیان و امنیت قضائی و سیاسی برخوردار باشد و در نظام سیاسی‌ای که در آن آزادی انتقاد و مخالفت‌کردن قانونی وجود نداشته باشد، آن نظام عادلانه نخواهد بود. با وجود سوابق و کارنامه درخشان زنده‌یاد بازرگان در حوزه‌های دینی، سیاسی، اخلاقی و خدمات و حسناتش در سال‌های پیش و پس از انقلاب به ملک و ملت و دین، هیچ‌گاه کسی در آن بزرگمرد الهی حس خودبرتربینی را مشاهده نکرد؛ بلکه مانند درختان پربار، «نماد فروتنی» بود و هرگز به دنبال قدرت و شهرت و نخوت نبود. مقاله‌ام را با ذکر خاطره‌ای از اوج فروتنی او که بیان‌کننده روح بزرگ و ظرفیت عظیم وجودی اوست، به پایان می‌برم. محمود حکیمی، مورخ معاصر، در کتاب «راه بازرگان» مطرح می‌کند که در یکی از جلسات تدریس قرآن انجمن اسلامی مهندسین، زمانی که مهندس بازرگان پس از تدریس قرآن به پرسش حاضران پاسخ می‌داد، من از جا برخاستم و در کنارش نشستم و پس از طرح سؤالم به تعریف از ایشان پرداختم و گفتم: استاد سیدغلامرضا سعیدی می‌گوید «تابه‌حال تصور می‌کردم مهدی بازرگان بزرگ‌ترین مرد آسیاست؛ اما من اشتباه می‌کردم، بازرگان بزرگ‌ترین مرد جهان است». ایشان پس از پاسخ به سؤال من سری تکان داد و در پایان جلسه ضمن گلایه از من و یادآوری ضررهای تعریف و تمجید به من گفت «من بزرگ‌ترین مرد جهان و آسیا نیستم. بزرگ‌ترین مرد ایران هم نیستم. خواهش می‌کنم که دیگر از من این‌گونه تعریف نکنید. من یک بنده خدا هستم». به او گفتم آقای بازرگان، سیدغلامرضا سعیدی آدم کوچکی نیست، اهل چاپلوسی و تملق هم نیست. قریب به ۵۰ سال است که شما را می‌شناسد. او درباره علامه اقبال و ده‌ها شخصیت اسلامی کتاب نوشته است. حتما چیزی می‌داند که می‌گوید بازرگان بزرگ‌ترین مرد جهان است. بازرگان سری تکان داد و گفت: «او به ما لطف دارد؛ ولی من از شما و آقای سعیدی خواهش دارم که برای من این واژه‌ها را به کار نبرید. من یک بنده خدا هستم».

روزنه

موسوی‌لاری:

جامعه می‌داند که دولت روحانی دولت اصلاح‌طلبان نبوده است

● عبدالواحد موسوی‌لاری، نایب‌رئیس شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، درباره ردصلاحیت‌های اخیر اصلاح‌طلبان گفت: «در مرحله اول که بررسی صلاحیت داوطلبان بوده، برخلاف همه ادوار گذشته عده زیادی از افراد شناخته‌شده، ازسوی هیئت‌های اجرائی مُهر عدم احراز خوردند، کسی که می‌خواهد در حوزه انتخابیه به عنوان کاندیدای مردم مطرح شود، اگر در این حد شناخته‌شده نباشد که معتمدان هم او را نشناسند، این فرد چطور می‌تواند از مردم رأی بگیرد؟ اینجا یک تعارض وجود دارد، هیئت اجرائی می‌گوید که ما صلاحیت فلان شخص را احراز نکردیم، درحالی‌که این فرد یکی از چهره‌های فلان شهرستان است، انسان خوب یا بدی است، شخصیت منفی یا مثبتی دارد؛ شما نمی‌توانید بگویید که این فرد را نمی‌شناختیم، اگر مثلا آقای کدخدایی که در تهران حضور دارد، چنین بگوید (اگرچه باز هم قابل قبول نیست)، اما می‌گوییم که ۲۰۰حوزه انتخابیه است و فردی در شهرستانی کاندیدا شده و آقای کدخدایی چطور در تهران او را بشناسد. ولی هیئت اجرائی مردمی که در فلان شهرستان تشکیل شده، نمی‌تواند نسبت به افراد عدم احراز را مطرح کند».

به گزارش «شفقنا»، او درباره نسبت اصلاح‌طلبان با دولت روحانی اظهار کرد: «انتخابات عرصه رقابت است و دو رقیب (اصولگرایان و اصلاح‌طلبان) دارد. فراموش نکنیم که اصلاح‌طلبان یک دوره زیبایی دارند به نام دوره اصلاحات، تمام شاخص‌های توسعه در دوره اصلاحات بالاست. این دوره پیشینه اصلاح‌طلبان است. اصلاح‌طلبان دوره‌ای دارند به نام دوره حمایت از دولت اعتدال و توسعه آقای حسن روحانی؛ آقای روحانی در برنامه‌های خود موفقیت‌ها و شکست‌هایی داشته است. حتما هم اصلاح‌طلبان به دلیل حمایتشان از آقای روحانی در آن شکست‌ها سهیم هستند، ولی جامعه می‌داند که دولت آقای روحانی، دولت اصلاح‌طلبان نبوده، بلکه دولت مورد حمایت اصلاح‌طلبان بوده است؛ بنابراین این بخش قصه با آن دوره‌ای که اصولگرایان با تمام ظرفیت‌های خود پشت‌سر احمدی‌نژاد ایستادند، بسیار متفاوت است».

او ادامه داد: «باز هم تأکید می‌کنم که احمدی‌نژاد نماد جریان اصولگرایی است، درحالی‌که آقای روحانی نماد اصلاح‌طلبی نیست. اصلاح‌طلبان هویت مستقلی دارند، ولی از آقای روحانی حمایت کردند و پای این حمایت و دولت ایستاده‌اند و اکنون هم می‌ایستند. اما باید به این نکته هم اشاره کنم که اگر آقای روحانی در مواردی با اصلاح‌طلبان همراه می‌شد و نصیحت اصلاح‌طلبان را گوش می‌کرد، شاید بخشی از این مشکلات کم می‌شد. به هر ترتیب این نکته را می‌پذیرم که به دلیل عملکرد دولت آقای روحانی شانس اصلاح‌طلبان در یازدهمین دوره انتخابات مجلس کاهش یافته است، اما این را که اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس در قیاس با اصولگرایان زمینه کمتری دارند، قبول ندارم و همچنان معتقدم که اصولگرایان در افکار عمومی بعد از اصلاح‌طلبان هستند».

موسوی‌لاری تأکید کرد: «شاید اصلاح‌طلبان در این دوره انتخابات مجلس با یک مشکلی مواجه شوند و آن، این است که شرایط به سمتی برود که مردم برای حضور پای صندوق‌های رأی بی‌اعتنا و بی‌تفاوت باشند. در آن صورت، وقتی مردم حضوری نداشته باشند ممکن است که اصلاح‌طلبان به مجلس راه پیدا نکنند».

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب رمز پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات را مشارکت حداکثری مردم دانست و گفت: «به‌طورکلی تأکید دارم که اصولگرایان و اصلاح‌طلبان دغدغه حضور مردم پای صندوق رأی را دارند. اصلاح‌طلبان این دغدغه را دارند که نکند مردم نیایند و دغدغه برخی از اصولگرایان این است که نکند مردم بیایند و کار از دستمان خارج شود و نتوانیم اوضاع را کنترل کنیم؛ بنابراین تحلیل من این است که اگر شرایط برای حضور پرشور مردم فراهم شود، پیروز میدان قطعا اصلاح‌طلبان هستند، ولی اگر شرایط به سمتی برود که مردم پای صندوق نیایند ممکن است که حضور اصلاح‌طلبان در مجلس آینده کم‌رنگ باشد».

موسوی‌لاری سیاست انتخاباتی این دوره اصلاح‌طلبان را هم این‌گونه تشریح کرد: «آنچه از مجموع نظرات چهره‌های اصلاح‌طلب دریافت کردم این است که اصلاح‌طلبان در انتخابات حتما شرکت می‌کنند، حتما در استان‌هایی که کاندیدا داریم، لیست می‌دهیم و از کاندیداهای خود حمایت می‌کنیم و در استان‌هایی هم که کاندیدا نداریم، نمی‌گوییم که اصلاح‌طلبان پشت‌سر اصولگرایی بایستند که متعادل‌تر است. اصلاح‌طلبان ممکن است که با انگیزه‌های قومی و محلی به کسی رأی دهند و به کسی رأی ندهند، ولی این مسئله در شعاع فعالیت سیاسی اصلاح‌طلبان نیست».

او در پایان گفت: «تلقی من این است که در این بحث که می‌گویند اصلاح‌طلبان احساس خستگی می‌کنند و با خود درگیری داخلی دارند، برخلاف واقع است. اصلاح‌طلبان مسائل را نقد و بررسی می‌کنند و دیالوگ و تعارض دیدگاهی دارند، ولی در تصمیم‌گیری یکی می‌شوند».

برگ سبز خودرو **پژو ۲۰۶** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۱ به شماره پلاک ایران ۲۲ - ۵۹۶ ص ۴۳ و شماره موتور 14191005796 و شماره شاسی NAAP03ED5CJ575733 به نام **معصومه یوسفی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب **فهیمه همتی** فرزند اسداله به شماره شناسنامه ۴۵۴۹۸۹۴۳۸۵ صادره از آبدانان در مقطع تحصیلی کاردانی رشته برق الکترونیک صادره از واحد دانشگاهی کنگاور به شماره سریال ۲۸۸۰۰۰۱۹۹ و تاریخ ۸۷/۰۲/۱۸ و شماره ۱۲۱۳/۸۷ مفقود گردیده و اعتبار ندارد. از یابنده تقاضا دارد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگاور ارسال نماید.

کارت ماشین، برگ سبز و سند کمپانی خودرو **تاکسی دلیکا** رنگ نقره ای متالیک مدل ۲۰۰۷ به شماره پلاک ایران ۲۲ - ۳۸۴ ت ۱۷ و شماره موتور 4G63S4MSDH9862 و شماره شاسی LDNL70YH870129572 به نام **رضا کلانتری** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

دادنامه

شماره دادنامه ۹۷/۱۲۶۴۸ تاریخ ۹۸/۸/۲۷ کلاسه پرونده :۹۷/۱۲۶۴۸ مرجع رسیدگی : شعبه ۱۰۳
تجدید نظر خواه : شیما قربانی به نشانی استان تهران خ دماوند چهارراه سبلان خ اشراقی کوچه تاری پلاک ۲۲ ط سوم تلفن ۰۹۱۲۵۸۵۹۹۸۵ تجدید نظر خوانده : آمنه خزایی کوهبر به نشانی میدان فاطمی کوچه طباطبایی روبروی مسجد نور کوچه سیاوش پلاک ۶ سالن ماساژ تلفن ۰۹۱۲۲۹۵۶۱۱۸ تجدید نظر خواسته : رای شماره ۹۷/۱۲۶۴۸ مورخ ۹۸/۵/۶ هیات تشخیص اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شمالشرق تاریخ اعتراض ۹۸/۵/۲۲ گردش کار : خواهان دادخواست به خواسته فوق الذکر بطرفیت خوانده تقدیم داشته و پس از سیر مراحل قانونی منجر به صدور رای هیات تشخیص گردیده و بنا بر اعتراض به رای صادره پرونده به هیات حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۰ قانون کار ارجاع شده جلسه این هیات با حضور کلیه اعضا تشکیل یافته و با بررسی محتویات پرونده اقدام به صدور رای می نماید. رای هیات : در خصوص رسیدگی به اعتراض شیما قربانی بطرفیت آمنه خزائی کوهبر نسبت به رای هیات تشخیص مورخ۹۸/۵/۶ موضوع دادخواست شماره ۹۷/۱۲۶۴۸ هیات حل اختلاف پس از بررسی اوراق و محتویات پرونده و با توجه به اظهارات خواهان و عدم حضور خوانده علیرغم ابلاغ دعوتنامه و بررسی اظهارات اولیه استماع اظهارات اخیر بحث و تبادل نظر با عنایت اینکه تجدید نظرخواه هیچگونه دلیل و مدرک موجهی که موجباب نقض یا اصلاح رای بدوی را فراهم نماید به هیات ارائه ننموده اند لذا باتفاق آراء ضمن تایید رای هیات بدوی با احراز رابطه کارگری و کارفرمایی از تاریخ ۹۶/۴/۲ لغایت ۹۷/۹/۱۵ (کارکرد بصورت نیمه وقت) با آخرین حقوق پایه ماهیانه حداقل قانونی و قطع رابطه کاری از سوی خوانده و خارج از میل و ارائه خواهان دانسته و پس از بررسی های معموله مقرر میدارد کارفرمای صدر الاشاره جمعا مبلغ ۲۳۸۱۰۱۷۳ ریال (بیست و سه میلیون و هشتصد و ده هزار وصد و هفتاد و سه ریال) به شرح موارد مندرج در رای هیات بدوی در وجه خواهان پرداخت نماید.کارفرمای موصوف مکلف است باستناد ماده ۱۴۸ قانونکار نسبت به پرداخت حق بیمه معوقه طبق مقررات سازمان تامین اجتماعی اقدام نماید این رای باستناد ماده ۱۵۹ قانون کار صادر گردیده و قطعی و لازم الاجرا است لیکن باستناد تبصره ۲ ماده ۱۶۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری برای اشخاص داخل کشور ظرف سه ماه وبرای افراد مقیم خارج از کشور ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رای قابل تجدید نظر خواهی در دیوان عدالت اداری میباشدم الف ۱۹۸۸۵

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@ SHARGHDAILY.IR